

مقایسه سیاست گذاری آموزشی ایران و انگلستان

دکتر آریتا سلاجقه^۱، مرضیه سهراب زهی^۲

۱. استادیار برنامه ریزی آموزش از راه دور، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

salajeghe@pnu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه پیام نور، رفسنجان، ایران

Marziyehsohrabzehi99@gmail.com

چکیده

آموزش و پرورش تطبیقی به دانشی اطلاق می شود که موضوع آن شناسایی، تحلیل و مقایسه شباهت ها و تفاوت های پدیده های تربیتی در داخل یک نظام آموزشی و یا بین نظام های آموزش و پرورش کشور های مختلف جهان با توجه به عوامل اجتماعی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی موثر در شکل و پیدایش آن هاست. (کینگ ادموند، مدارس دیگران و ما؛ ص ۲۵)

پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی و تحلیل نظام آموزشی انگلستان و تطبیق آن با نظام آموزشی ایران، ضمن کشف شباهت ها و تفاوت ها با استفاده از مزایای قابل اعمال نظام آموزشی انگلستان گامی در جهت ارتقای کیفی آموزش ایران برداشت. پژوهش حاضر از نوع مقایسه ای است که مستلزم توصیف و تحلیل پدیده های مربوط به هر یک از دو نظام آموزشی ایران و انگلستان است.

کلید واژه ها: آموزش و پرورش، نظام آموزشی، مدارس، انگلستان، ایران

مقدمه

یکی از سازمان های مهم و موثر در جهان امروز و آینده سازمان آموزش و پرورش است؛ سازمانی که الگوی کلیه نهاد ها و موسسات و سازمان های رسمی جامعه است. موضوع اساسی و محور اصلی این سازمان "انسان" است و مهم ترین و دشوار ترین مسئله مبتلا به انسان تعلیم و تربیت اوست. (شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن: ص ۵)

در روزگار ما، همه ملت ها با هر نظام سیاسی و اجتماعی پیشرفته و یا در حال پیشرفت به مسئله برنامه ریزی و اصلاحات آموزشی، با توجه به آخرین روش های آموزشی و فنی و پیشرفت های علمی جهان، توجه خاص دارند. بررسی تاریخ تحول نظام های آموزشی جهان نشان می دهد که به منظور تحقق این امر، اغلب کشور های پیشرو از مطالعات و پژوهش های تطبیقی در زمینه آموزش و پرورش بهره گرفته اند. (آقا زاده، احمد، آموزش و پرورش تطبیقی: ص ۱)

میهن ما یکی از مراحل مهم و اساسی و در عین حال حساس و دقیق خود را در زمینه توسعه آموزش و پرورش می گذراند. بدیهی است به موازات بسط و توسعه نهاد آموزش و پرورش باید به مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش دست زد، زیرا این گونه مطالعات زمینه را برای انتقاد و رفع مشکلات نظام آموزش و پرورش را فراهم می کند و اداره کنندگان چنین دستگاہی را در کشف و تحلیل مسائل تربیتی یاری می دهد. (همان: ص ۳)

آموزش و پرورش تطبیقی حوزه ای از آموزش است که نظام آموزشی یک کشور را با استفاده از اطلاعات و نظام های دیگر کشور ها تحلیل و سیاست هایی برای بهبود آموزش طراحی می کند. پژوهش حاضر به دنبال آن است که با مقایسه نظام آموزشی انگلستان با ایران، شباهت و تفاوت های آن ها را بررسی و به دنبال راه حل برای رساندن نظام آموزشی ایران به نظام های برتر دنیا باشد.

در ایران با وجود سابقه طولانی آموزش و پرورش رسمی و به رغم افزایش نرخ ثبت نام و تمامی پیشرفت هایی که طی چند دهه اخیر در این حوزه رخ داده، آموزش و پرورش همگام با سطح جهانی پیش نرفته است که کیفیت پایین آموزش به ویژه در مقطع ابتدایی از جمله دلایل اصلی آن به شمار می رود. طبق "نمایه کامیابی لگاتوم" منتشر شده در سال ۲۰۱۷ ایران از لحاظ کیفیت آموزشی میان ۱۴۹ کشور جهان، در جایگاه هفتاد و پنجم قرار دارد.

(legatum Institute, 2017: 11)

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مقایسه ای است که به این صورت است ابتدا مسئله پژوهش بیان می شود سپس گروه مطالعه و مقایسه انتخاب و سپس مورد مطالعه و ارزیابی قرار می گیرند و با هم مقایسه می شوند که به این منظور پدیده های مربوط به دو نظام آموزشی ایران و انگلستان مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته اند.

یافته های پژوهش و تحلیل آن ها

سازمان و اداره آموزش و پرورش در انگلستان

اداره امور آموزش و پرورش در انگلستان به طور کلی به شیوه غیر مرکزی اداره می شود. این خود یکی از ویژگی های نظام آموزش و پرورش انگلستان است که اختیارات اداره امور تربیتی را بین دولت مرکزی، مقامات آموزش و پرورش محلی و بالاخره کادر آموزشی تقسیم نموده است.

وزیر آموزش و پرورش قبل از آنکه نامه ها و پیشنهادهای خود را به هیئت دولت تقدیم نماید باید نظر مساعد کارشناسان وزارتخانه و نمایندگان کمیته های آموزش و پرورش نواحی و جامعه معلمان را جلب نماید. رسیدگی به امور تعلیم و تربیت و مسائل عمده نواحی آموزش و پرورش در دستگاه مرکزی آموزش و پرورش به عهده مدیران امور نواحی است. مسئولیت این مدیران رسیگی به طرحهای پیشنهادی که از طرف روسای ادارات نواحی ارسال می شود و انطباق آن با قوانین و مقررات موجود است. در صورتی که طرحهای پیشنهادی کامل و با موازین قانونی مطابقت داشته باشند مدیران امور نواحی که از طرف وزیر دارای اختیاراتی هستند، آن ها را تصویب می کنند و در صورت وجود نقایص و موانع قانونی، طرحهای پیشنهادی را با ذکر دلایل کافی دال بر قابل اجرا نبودن آنها، به ادارات آموزش و پرورش عودت می دهند. البته حوزه اختیارات این مدیران محدود بوده، درباره موضوعات و مسائل مهمی که در حیطه صلاحیت آنان نیست اظهار نظر نمی کنند و آنها را جهت تصمیم گیری مقتضی به مقامهای بالا و یا شخص وزیر ارجاع می دهند. (آقازاده؛ احمد، آموزش و پرورش تطبیقی: ۲۰۲-۲۹۸)

در ایران

مطالعه سیر تاریخی سازمان آموزش و پرورش از صدر اسلام تا مشروطیت نشان می دهد که آموزش و پرورش در سطح ابتدایی و مقدماتی در مکتب خانه ها و مساجد و در سطح عالی نیز در مساجد و در مدارس و حوزه های علمیه انجام می شده است. مسئولیت تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان و اداره مکتب خانه ها و مدارس به عهده خانواده های متمدن بوده است و مردم به صورت های مختلف در امر تاسیس و اداره موسسات آموزشی سهم اساسی داشته اند. با تاسیس دارالفنون در سال ۱۲۲۸ ش و "وزارت علوم" در ۱۲۳۲ و تصویب متمم قانون اساسی مشروطیت در ۱۲۸۶ به تدریج مقامات دولتی به تاسیس و گسترش مدارس اقدام کردند. مفاد این اصل آغازی برای دخالت دولت مرکزی در آموزش و پرورش کشور بود و با تصویب قانون اداری معارف، قانون اساسی معارف و قانون تشکیل شورای عالی معارف به تدریج بر میزان این دخالت افزوده شد. با توجه به اصل تمرکز سازمان آموزش و پرورش رسمی ایران از گذشته تا کنون به صورت مرکزی اداره شده است. هم اکنون امور اساسی و مهم تعلیم و تربیت در مرکز (تهران) انجام می شود و ادارات آموزش و پرورش و مدارس مجری برنامه ها و دستورهای داده شده از مرکز هستند. (صافی؛ احمد، سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران: ص ۱۳)

مدیریت و اداره امور مدارس در انگلستان

مدارس ابتدایی و متوسطه در انگلستان را بر حسب اداره امور جاری شان می توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. مدارس دولتی ۲. مدارس آزاد، که موسسه، تشکیلات مذهبی یا انجمن های داوطلب فرهنگی و یا افراد تاسیس می کنند. مدارس ابتدایی دولتی نزدیک به ۲/۳ و مدارس متوسطه دولتی حدود ۴/۵ از کل مدارس موجود در انگلستان را تشکیل می دهند و بقیه مدارس را می توان جزء "مدارس آزاد" قلمداد کرد. هر یک از مدارس ابتدایی و آزاد دارای "هیئت مدیره" و مدارس متوسطه دارای "هیئت سرپرستان" هستند. هیئت مدیره و هیئت سرپرستان با همکاری و مشورت مدیر مدرسه که مسئول مستقیم کنترل و سازماندهی مدرسه و ناظر بر اجرای برنامه های آموزشی است هدایت و رهبری کلی امور مدرسه را به عهده دارند. کلیه اعضای هیئت مدیره و هیئت سرپرستان در مدارس دولتی به وسیله مقامات محلی آموزش و پرورش منصوب می شوند؛ ولی در مدارس آزاد ۲/۳ اعضا را مقامات محلی و بقیه را موسسان این گونه مدارس انتخاب می کنند. (آقازاده؛ احمد، آموزش و پرورش تطبیقی: ص ۳۰۳)

در ایران

مدارس در ایران از نظر میزان سرمایه گذاری و نظارت دولت یا مشارکت مردم در اداره آن ها، از نظر ویژگی های دانش آموزان نام های گوناگونی دارند مانند مدارس دولتی، مدارس غیردولتی، مدارس استثنایی، مدارس خارجی، مدارس تطبیقی، مدارس شاهد و جانباز، مدارس نمونه دولتی، مدارس عشایری، مدارس اقلیت های مذهبی، مدارس شبانه بزرگسالان، مدارس هیئت امنایی و ... تقسیم می شوند که بیشتر مدارس ابتدایی و متوسطه ایران از نوع دولتی هستند و تقریباً ۱۱ درصد کل مدارس، مدارس غیر دولتی هستند.

برای اداره امور مدارس از کارکنان مختلف استفاده می شود که در راس آنها مدیر است که در وزارت آموزش و پرورش، انتصاب مدیران مدارس دولتی ابتدایی از اختیارات روسای آموزش و پرورش هر منطقه است و انتخاب مدیر مدارس غیر دولتی به پیشنهاد موسس و تایید و ابلاغ آموزش و پرورش منطقه تعیین می گردد و تمديد آن با درخواست موسس بلا مانع است. (صافی؛ احمد، سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، ۱۳۹۶)

منابع مالی آموزش و پرورش انگلستان

وزارت آموزش و پرورش انگلستان هر ساله ۸۵ درصد بودجه عمومی خود را بین ۱۰۶ منطقه طوری تقسیم می کند که آن ها بتوانند حداقل ۵۰ درصد هزینه های سرمایه ای و جاری خود را از این بودجه تامین کنند. البته کمک دستگاه مرکزی آموزش و پرورش انگلستان به برخی مناطق افزایش می یابد.

هزینه های آموزشی ضمن خدمت معلمان را مقامات محلی آموزش و پرورش تامین می کنند. هزینه سرانه هر دانش آموز در انگلستان و ویلز بالغ بر ۱۵۰۰ پوند و در اسکاتلند ۱۹۰۰ پوند است.

بررسی سیر تحول آموزش و پرورش در انگلستان نشان می دهد که توسعه نظام تعلیم و تربیت کارآمد که از طریق اداره امور آموزشی به شیوه غیر متمرکز حاصل می شود نیاز به تصویب قوانین و سرمایه گذاری های وسیعی دارد که دولت باید با برنامه های سنجیده و پشتوانه مردمی آن را به ثمر رساند. به حکم قانون کلیه کودکان و نوجوانان بین سنین ۱۶ تا ۵ سال باید برای تعلیمات همگانی در مدارس ثبت نام کنند. والدین و مقامات محلی، آموزش و پرورش را موظف کرده اند امکانات آموزش و پرورش را برای کلیه کودکان و نوجوانان واجد شرایط فراهم سازد. هزینه های لازم برای این منظور از طریق دستگاه مرکزی آموزش و پرورش و از محل مالیات های دریافتی از درآمد مردم منطقه و سایر منابع مالی تامین می شود.

پانصد بازرس وزارتی به نقاط مختلف انگلستان سفر می کنند و بر نحوه اجرای مصوبات و قوانین آموزش و پرورش نظارت دقیق دارند. چنانچه قصوری از طرف مقامات محلی آموزش و پرورش یا والدین در اجرای قوانین صورت گرفته باشد، موارد آن به مقامات مسئول گزارش می شود و شخص یا افراد مقصر شدیداً مورد مواخذه قرار می گیرند. (آقا زاده؛ احمد، آموزش و پرورش تطبیقی: ص ۳۰۷-۳۰۴)

در ایران

آموزش و پرورش کشور ما در مقایسه با سایر کشور های جهان از لحاظ تامین منابع مالی از وضعیت قابل قبولی برخوردار نیست. مقایسه شاخص ها نشان می دهند که مهم ترین آسیب ها و مشکلات آموزش و پرورش در این بخش به شرح زیر است:

۱- نسبت اعتبارات دولت برای آموزش و پرورش نسبت به تولید ناخالص ملی که در سال های مختلف بین ۳ تا ۴ درصد نوسان داشته است از میانگین جهان که در دهه گذشته ۸/۴ درصد بوده پایین تر و از میانگین کشور های توسعه یافته (۱/۵ درصد) بسیار پایین تر است. در این مقایسه توجه به این نکته که نرخ وابستگی جمعیت ۱۴-۰ ساله در ایران در سال ۱۹۹۶ برابر ۷۱ درصد و در کشور های توسعه یافته ۳۴ درصد بوده است ضرورت دارد. بنابراین علی رغم آن که کشور های مذکور از جمعیت دانش آموزی نسبتا کمتری برخوردار بوده اند اما ۱/۵ درصد از درآمد ملی شان را صرف آموزش و پرورش کرده اند.

۲- سهم اعتبارات دولت برای آموزش و پرورش در بودجه عمومی کشور با نوسان های شدیدی در دهه گذشته همراه بوده و روند رو به کاهشی داشته است. این نسبت در مقایسه با میانگین کشور های جهان و نیز کشور های توسعه یافته از مقدار کمتری برخوردار است. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۵ این نسبت برای ایران ۰۸/۱۲ درصد و برای کشور های در حال توسعه از ۱۶ درصد بیشتر است. در کشور های توسعه یافته این نسبت ۳/۱۳ درصد است.

۳- هزینه سرانه آموزش ابتدایی در کشور به طور متوسط ۷ درصد تولید ناخالص ملی سرانه است و برای آموزش متوسطه ۱۰ درصد و برای آموزش عالی ۶۳ درصد است. ارقام متناظر آن در کشور های توسعه یافته ۱۹، ۲۱ و ۳۴ درصد است که واریانس کمتری دارد. در حالی که در کشور ما برای یک دانشجو در آموزش عالی حدود ۹ برابر یک دانش آموز ابتدایی خرج می شود. در مجموع در تخصیص منابع بین سطوح آموزشی توجه کمتری به آموزش عمومی به عمل می آید.

۴- سهم هزینه های پرسنلی در کل هزینه های آموزش و پرورش در حدود ۹۳ درصد است. اعتبارات غیر پرسنلی (سایر فصول) نیز در حدود ۷ درصد از بودجه آموزش و پرورش را شامل می شود که بسیاری از موارد مصرف آن نیز کاملا مشخص بوده و از انعطاف پذیری کمی برای تغییر احتمالی برخوردارند. بنابراین با توجه به انعطاف پذیری نسبی هزینه های پرسنلی و بخش عمده ای از هزینه های غیر پرسنلی، اعتبارات مورد نیاز برای هر گونه نوآوری و ابتکار و سرمایه گذاری جدید که لازمه بهبود کیفیت است کافی نبوده و مدیریت را ناگزیر به سوی فعالیت مبتنی بر حل و فصل امور روزمره سوق می دهد.

۵- علی رغم ناکافی بودن منابع اختصاص یافته به آموزش و پرورش و دلایل زیر از منابع موجود استفاده بهینه نمی شود:

الف) اتلاف سرمایه ناشی از نرخ ترک تحصیل و تکرار پایه به ویژه در پایه اول ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پایه سوم متوسطه

ب) نوسان و پراکندگی شدید در هزینه سرانه تحصیل بین استان های کشور و در داخل هر استان بین مناطق و در درون مناطق بین مدارس مختلف. این عدم تعادل و اختلاف که گاهی از دو برابر بیشتر می شود نشان دهنده نا کار آمدی در تخصیص و به کار گیری منابع انسانی و فیزیکی و به تبع آن منابع مالی است.

ج) استمرار توزیع نامتوازن و نامناسب نیروی انسانی به دلیل تداوم مهاجرت و فعل و انفعالات جمعیت دانش آموزی و جامعه معلمان، بی توجهی به نیاز های معلمان در آموزش عالی، فقدان سیاست های کارآمد و اثربخش برای جذب نیرو و نگهداشت آن در مناطق محروم، ترکیب و ساختار نامناسب نیروی انسانی به لحاظ سطح تحصیلات، سابقه خدمت، ارتباط رشته تحصیلی و رشته تدریس، ترکیب نیرو های بومی و غیر بومی و رسمی و غیر رسمی و تناسب های حنسی به ویژه در مناطق محروم و در دوره ابتدایی، به طوری که حدود ۹ درصد از جمعیت نیروی انسانی موجود در آموزش و پرورش به کار گرفته نمی شوند. (احمدی، شهری، درویشی، زنگنه؛ مروری بر نحوه تامین منابع مالی در آموزش و

مراحل و مقاطع تحصیلی در انگلستان

مراحل تحصیلی در انگلستان و ویلز شامل آموزش قبل از دبستان، آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه و آموزش اضافی و تعلیمات عالی است.

آموزش قبل از دبستان

مراکز آموزش قبل از دبستان به دو گروه دولتی و آزاد تقسیم می شوند. مهد کودک و کودکستان هایی که مقامات و ادارات محلی آموزش و پرورش دایر و اداره می کنند به مهد کودک و کودکستان دولتی معروف اند که معمولاً شهریه ای دریافت نمی کنند و از لحاظ آموزش و بهداشت امور تغذیه به ترتیب تحت نظارت ادارات آموزش و پرورش و ادارات تابعه وزارت بهداشت و درمان انگلستان قرار دارند و حدود ۲۰ درصد کودکان گروه سنی ۳ تا ۵ سال را تحت پوشش این نوع آموزش و پرورش قرار داده اند. نوع دیگری از مراکز آموزش قبل از دبستان در انگلستان وجود دارد که بخش خصوصی، کلیسا ها و موسسات عام المنفعه آن ها را تاسیس و اداره می کنند. برخی از آن ها کمک های مالی از مسئولان آموزش و پرورش مناطق دریافت می دارند و به نام مهد ها و کودکستان های خصوصی معروف اند. این مراکز که اکثر موسسات آموزش قبل از دبستان را تشکیل می دهند در دهه ۱۹۸۰ از گسترش چشمگیری برخوردار شدند.

برنامه های آموزشی مراکز پیش دبستانی را مربیان و مدیران بر حسب سن کودکان، نیازمندی ها و توانایی های آنان تنظیم می کنند و در این برنامه ها تاکید بستر بر حرکات موزون، مجسمه سازی، نقاشی، حکایت گوئی، نمایش عروسکی، سرود و رقص های دسته جمعی و بازی های گروهی و آموزشی است. امروزه در آموزش های قبل از دبستان بر پرورش فکری و اجتماعی و تربیت بدنی تاکید بیشتری می شود، بسط و ارتقای مهارت کلامی کودکان زیر سن دبستان مورد توجه است و در سال های پایانی این دوره پرداختن به درک کودکان از اعداد و به کار گیری واژه ها در قالب برنامه پیوسته و مرتبط با برنامه دوره اول ابتدایی از جمله فعالیت هایی است که کانون توجه مربیان و مسئولان آموزش های پیش از دبستان است. (آقازاده؛ احمد، آموزش و پرورش تطبیقی، ص ۳۱۱-۳۱۰)

آموزش ابتدایی

تعلیمات ابتدایی در انگلستان از ۵ سالگی آغاز می شود و در ۱۱ سالگی به پایان می رسد. این دوره به مرحله جداگانه تقسیم می شود. مرحله اول به "مرحله کودکی" یا "نوسالی" موسوم است و کودکان ۵ تا ۷ ساله در این مرحله آموزش می بینند. مرحله دوم که "مرحله خردسالی" نامیده می شود به آموزش نوآموزان ۷ تا ۱۲ ساله اختصاص دارد. دوره آموزش ابتدایی ۶ سال به طول می انجامد. به طور کلی ۴۵ درصد از مدارس در انگلستان دارای این دو مرحله آموزش ابتدایی هستند، ولی در برخی از مدارس ابتدایی این دو مرحله از تعلیمات ابتدایی به ترتیب در دو دبستان جداگانه به نام های مدرسه نوسالان و مدرسه خردسالان قرار گرفته اند.

اکثر مدارس ابتدایی به صورت مختلط اداره می شوند، اما در برخی موارد که تعداد دانش آموزان مدرسه در یک ناحیه آموزشی افزایش می یابد مدارس دخترانه و پسرانه را از هم جدا می نمایند. اکثر معلمان ابتدایی را زنان تشکیل می دهند.

هدف از تعلیمات ابتدایی فراهم ساختن امکانات و شرایط لازم برای رشد فکری و جسمی کودکان است و در برخی از مدارس کوشش اصلی بر آن است تا دانش آموزان را برای امتحانات "۱۱+" آماده نماید. در دوره اول علاوه بر خواندن و نوشتن و فراگیری حساب و مانوس شدن کودکان با موسیقی و سرود ها سعی می شود از طریق ساختن اشیا با شن، مکعب، چوب و گچ و کارهای دستی، مطالعه طبیعت و شناسایی نباتات و حیوانات و سایر منابع طبیعی موجود در پیرامون زندگی دانش آموزان، اولاً حس کنجکاوی کودکان را ارضا نمایند و ثانیاً قوه خلاقیت آنان را پرورش دهند. در دوره دوم درس های نظری با درس های عملی بیشتر تلفیق می یابد و کوشش می شود که مواد درسی، به خصوص تمریناتی

که در خواندن و نوشتن و حساب کردن برای کودکان ارائه می شود جداگانه از یکدیگر تدریس نشود، بلکه حتی الامکان کوشش بر آن است تمرینات با تجربیات روزمره زندگی اجتماعی کودکان ارتباط داشته باشد، زبان خارجه که معمولا فرانسه است و قبلا در دوره دبیرستان آن آغاز می شد، اخیرا در دوره دوم ابتدایی آموزش داده می شود.

از ویژگی های تعلیمات ابتدایی در انگلستان می توان آزادی عمل معلمان و مدیران مدرسه در تنظیم برنامه های درسی دانش آموزان و اداره امور مدرسه را نام برد. ضمنا در سال های اخیر به افزایش ساعات تدریس ریاضی، علوم و زبان در برنامه این دوره تاکید فراوان شده است. (آقازاده؛ احمد، آموزش و پرورش تطبیقی، ص ۳۱۳-۳۱۲)

آموزش متوسطه

مرحله تعلیمات متوسطه تمام وقت و تا ۱۶ سالگی عمومی و اجباری است و از آن پس دانش آموزان می توانند داوطلبانه تا پایان ۱۸ سالگی در مدارس متوسطه تحصیلات خود را ادامه دهند.

ورود به تعلیمات متوسطه در انگلستان به گذراندن "۱۱+" و گزارش روسای مدرسه و تا حدودی تمایل و تصمیم والدین دانش آموزان بستگی دارد. آزمون "11+" امتحانی است که معمولا در پایان دوره ابتدایی یعنی ۱۱ سالگی از کلیه دانش آموزان به عمل می آید و به وسیله اداره آموزش و پرورش محل هدایت می شود. این امتحان سرنوشت تحصیلی کودکان را پس از دوره ابتدایی تعیین می کند و شامل آزمون های استاندارد شده هوش، آزمون های درجه بندی شده انگلیسی و ریاضیات است. دانش آموزان بر اساس نتیجه این آزمون، کارنامه تحصیلی دوره ابتدایی و گزارش مدیر مدرسه طبقه بندی می شوند و بر اساس آن نو آموزشی که امتیازات عالی کسب کرده اند و بهره هوشی آنان بالای ۱۲۰ است به مدارس متوسطه گرامر معرفی می شوند و بقیه به ترتیب نمرات بین مدارس حرفه ای و جدید تقسیم می شوند. تا سال ۱۹۶۲ طبقه بندی دانش آموزان بر اساس آزمون "۱۱+" برای ورود به مدارس متوسطه "گرامر"، "حرفه ای" و "جدید" عمومیت داشت ولی به تدریج با تاسیس مدارس جامع از عمومیت این شیوه انتخاب کاسته شد و دانش آموزان می توانستند بدون گذراندن امتحان "۱۱+" از دوره ابتدایی به دوره متوسطه منتقل شوند و تا ۱۶ سالگی از یک آموزش یکسان برخوردار گردند. (آقا زاده؛ احمد، آموزش و پرورش تطبیقی، ص ۳۱۶-۳۱۵)

مراحل و مقاطع تحصیلی در ایران

آموزش پیش از دبستان

در طرح تغییر نظام آموزش و پرورش ایران مصوب ۱۳۶۸ دوره پیش دبستانی به عنوان بخشی از ساختار نظام آموزش و پرورش ایران مطرح شد و مهد های کودک ابتدا در وزارت کار و امور اجتماعی و به تدریج در وزارتخانه ها و سازمان های مختلف اداری، صنعتی، بازرگانی، فرهنگی و آموزشی به وجود آمد که هم اکنون طبق قانون زیر نظر سازمان بهزیستی دایر و اداره می شود. دوره پیش دبستانی به دوره دو ساله ای اطلاق می شود که گروه سنی چهار تا شش سال را تحت پوشش برنامه های تربیتی قرار می دهد که در صورت عدم تامین امکانات مورد نیاز اجرای دوره مذکور به صورت یک ساله بلامانع است که دوره پیش دبستانی در کشور به دو صورت تشکیل می شود: دولتی با مشارکت مردم و غیر دولتی بر اساس قوانین مربوط راهنمای برنامه آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه می شود و به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش می رسد و در چهارچوب راهنمای مذکور مواد آموزشی به صورت غیر متمرکز تهیه می شود.

از اصول حاکم بر دوره پیش دبستانی می توان رعایت تفاوت های فردی و توجه به شرایط بومی و فرهنگی، پرورش حواس گوناگون کودکان، اولویت دادن به بازی و فعالیت های نشاط آور و هماهنگی و همسویی با اهداف دوره ابتدایی را نام برد. (صافی، احمد؛ سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، ۱۳۹۶)

آموزش ابتدایی

در حال حاضر در ایران، دوره ابتدایی یا دوران دبستان به دو دوره سه ساله (دوره اول یعنی اول تا سوم ابتدایی و دوره دوم یعنی چهارم تا ششم ابتدایی) که روی هم شش سال تحصیلی می باشد، تقسیم بندی شده است. دانش آموزان دوران ابتدایی باید سن ۶ سالگی خود را کاملا تمام کرده و وارد سن ۷ سالگی شده باشند که بتوانند در کلاس اول این مقطع تحصیلی ثبت نام شوند.

به دانش آموزان سال اول ابتدایی در ایران زبان فارسی، ریاضی، علوم تجربی و قرآن آموزش داده می شود. از سال دوم به بعد، تعلیم و تربیت اسلامی/مذهبی (به تفکیک اهل سنت و اقلیت های مذهبی رسمی کشور) و از سال سوم به بعد نیز مطالعات اجتماعی به این دروس اضافه می شود. علاوه بر این در سال ششم دو درس تفکر و پژوهش و کار و فناوری نیز ارائه می شود. تمامی فرایندهای برنامه ریزی، تالیف، نظارت، بازبینی و حتی چاپ کتاب های درسی در ایران مستقیما زیر نظر وزارت آموزش و پرورش انجام می پذیرد.

در واقع اگر چه کتاب های درسی از سوی کارشناسان و آموزگاران توانا و با تجربه تالیف می شود، نهاد های جامعه مدنی از هیچ جایگاهی در فرایند اخذ تصمیمات مربوط به محتوای آموزشی مدارس برخوردار نیستند و قدرت تصمیم گیری در این زمینه تنها در اختیار سازمان های دولتی و نهاد های حکومتی به ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش است که از طریق وزارت آموزش و پرورش اعمال می شود. حتی معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش نیز به طور مستقیم قادر به برنامه ریزی درباره محتوا و حجم کتاب های این دوره نیست و این وظیفه به دفتر پژوهش و تالیف کتب درسی محول شده است (روزنامه ایران، ۱۳۹۶:۱۱).

از نکات مهم طرح سازماندهی زمان مدارس ابتدایی می توان تنظیم و اجرای برنامه ی هفتگی به میزان حداقل ۸۰۰ جلسه، سازماندهی و اجرای برنامه هفتگی مدرسه در قالب ۲۵ جلسه برای کلیه پایه های تحصیلی منحصر در ۵ روز اول هفته، تعیین زمان هر جلسه برای پایه های اول و دوم ۴۵ دقیقه برای پایه های بالاتر ۵۰ دقیقه و در نظر گرفتن ۲۰ دقیقه زمان استراحت بعد از هر جلسه آموزش برای پایه اول و دوم و ۱۵ دقیقه برای پایه های بالاتر را نام برد.

آموزش متوسطه

دوره متوسطه به دو دوره متوسطه اول و متوسطه دوم تقسیم می شود که متوسطه اول در قدیم با "دوره راهنمایی تحصیلی" شناخته می شد و مدت آن سه سال و گروه سنی ۱۱-۱۳ را در بر می گیرد و طبق اصل سی قانون اساسی جمهوری اسلامی دولت موظف است آموزش و پرورش رایگان را برای همه ی ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. دانش آموزی در پایه اول متوسطه پذیرفته می شود که تحصیلات دوره پنج ساله ابتدایی را گذرانیده و گواهی لازم را داشته باشد و مدت تحصیل در هر پایه از این دوره حداکثر دو سال است.

مواد درسی متوسطه اول عبارت است از قرآن، تعلیمات دینی، عربی، زبان خارجه، زبان و ادبیات فارسی، علوم تجربی، ریاضیات، علوم اجتماعی، حرفه و فن، ورزش و هنر. یکی از اهداف مهم دوره متوسطه اول هدایت دانش آموزان به مرحله تحصیلی بعد بر اساس ویژگی های فردی و نیاز های اجتماعی است. امر هدایت تحصیلی در پایان سال سوم متوسطه اول انجام می شود و طبق ضوابط دانش آموزان این دوره باید حد نصاب نمره را برای هر یک از شاخه ها و رشته ها به دست آورند و بر اساس توصیه مشاور یا مدیر در دوره متوسطه دوم ثبت نام نمایند.

آموزش متوسطه دوم آخرین مرحله آموزش رسمی است و هدف آن آماده سازی جوانان برای ادامه تحصیل در سطوح عالی تر تحصیلی است و طول دوره آن سه سال است و پس از متوسطه اول است که شامل سه شاخه متوسطه نظری، متوسطه فنی و حرفه ای و متوسطه کاردانش است. متوسطه نظری از سه رشته ریاضی-فیزیک، ادبیات و علوم انسانی و علوم تجربی تشکیل می شود و دانش آموزان باید حدود ۹۶ واحد درسی بگذرانند که حدود ۷۰ واحد آن مشترک و ۲۶ واحد اختصاصی است. متوسطه فنی و حرفه ای مشتمل بر چند گروه است از جمله صنعت، کشاورزی، اداری و بازرگانی، هنر، مدیریت خانواده، بهیاری و تربیت بدنی که از ۹۶ واحد درسی حدود ۶۰ واحد مشترک و ۳۶ واحد اختصاصی است و هدف متوسطه کاردانش، تربیت نیروی انسانی سطوح نیمه ماهر، ماهر، استاد کار و سرپرست مورد نیاز بخش های صنعت، کشاورزی و خدمات است که فارغ التحصیلان این شاخه در صورت احراز شرایط می توانند در دوره های علمی-کاربردی ادامه تحصیل دهند. به فارغ التحصیلان دوره راهنمایی پس از گذراندن ۳۲ واحد، پودمان مهارت و پس از توفیق در آزمون جامع استاندارد مهارت در حرفه مربوط، گواهینامه درجه دوم مهارت داده می شود. دارندگان گواهینامه درجه دوم مهارت پس از گذراندن حدود ۱۶ واحد پودمان مهارت و توفیق در آزمون استاندارد مهارت، به دریافت گواهینامه درجه یک مهارت نایل می شوند. به کسانی دیپلم کاردانی داده می شود که علاوه بر اخذ گواهینامه درجه یک مهارت، ۴۸ واحد دروس عمومی شاخه های نظری و فنی و حرفه ای را بگذرانند. (صافی، احمد؛ سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، ۱۳۹۶)

نظام امتحانات و ارزشیابی تحصیلی

از دانش آموزان در دوره ابتدایی برای ارتقا از یک پایه تحصیلی به پایه بالاتر امتحانی به عمل نمی آید ولی در برخی نواحی آموزش و پرورش، فارغ التحصیلان دوره ابتدایی باید آزمون " ۱۱+" را با موفقیت بگذرانند. در دوره متوسطه پس از گذراندن این دوره، از دانش آموزان آزمون به عمل می آید. یکی از این آزمون ها، آزمون جی سی ای است که در دو سطح پیشرفته و عادی انجام می شود. از سال ۱۹۸۹ آزمون پیشرفته ای به نام آ اس جنشین این آزمون در سطح عادی یعنی او ال شد. مسئولیت تنظیم و تدوین آزمون های فوق به عهده شورای عالی امتحانات و ارزشیابی مدارس است. این آزمون ها که کارشناسان ارزشیابی تحصیلی تهیه کرده اند به گونه ای است که اولاً هر سال بازنگری می شود و ثانیاً سعی بر آن است که توانمندی دانش آموزان را در سطح متوسط و در شعب مختلف تحصیلی مورد ارزشیابی قرار دهند. امتیازات آزمون های مذکور بر اساس معیار هفت رتبه ای آ، بی، سی، دی، ای، اف، جی، اچ صورت می گیرد. دانش آموزانی که در سطح آ، بی، سی امتیاز کسب نمایند گواهینامه مربوطه را به آنان اعطا می کنند و به کسانی که امتیازات پایین گرفته باشند علاوه بر اینکه گواهینامه پایان تحصیلات اعطا نمی شود بلکه به عنوان مردودین نیز شناخته می شوند. (آقازاده، احمد، آموزش و پرورش تطبیقی، ۱۳۹۶)

در ایران

طبق مصوبه سال ۱۳۸۷ ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی دوره ابتدایی مبتنی بر ارزشیابی توصیفی است و به آن صورت از دانش آموزان امتحانی به عمل نمی آید و ارزشیابی از طریق جمع آوری، طبقه بندی، تحلیل و تفسیر اطلاعات برای تشریح وضعیت تلاش، پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان در کلاس، مدرسه و خارج از آن (نظام مکمل و فوق برنامه) انجام می گیرد اما در پایه ششم گاه امتحانات هماهنگ منطقه ای برگزار می شود. مقیاس ارزشیابی خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیاز به تلاش بیشتر است که نیاز به تلاش بیشتر مستلزم تکرار پایه است.

در دوره متوسطه اول امتحانات پایه اول و دوم داخلی و توسط معلم طرح و تصحیح می شود اما در پایه سوم امتحانات به صورت نهایی برگزار می شود که دانش آموزانی که نمره کمتر از ۱۰ دریافت کنند نیاز به امتحان مجدد در شهریور ماه هستند و در صورت کسب نمره کمتر از ۱۰ مردود و نیازمند تکرار پایه هستند و دانش آموزانی که نمره بالا دریافت کنند به دوره بعد انتقال می یابند.

در دوره متوسطه دوم مانند متوسطه اول امتحانات سال اول و دوم داخلی و امتحانات سال سوم نهایی و هماهنگ کشوری است که دانش آموزان در صورت موفق شدن در امتحانات، دوره متوسطه را به اتمام رسانیده و نایل به کسب مدرک دیپلم می شوند و بعد از آن در تابستان کنکور داده که و بر اساس رتبه خود وارد دانشگاه و رشته مربوطه می شوند.

“منابع”

- [1] آقازاده، احمد، آموزش و پرورش تطبیقی، تهران: سمت، ۱۳۹۶
- [2] آقازاده، احمد، تاریخ تحول آموزش و پرورش تطبیقی، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴
- [3] الشیاء، استریت، سرزمین و مردم انگلستان، ترجمه سید محمد سجادی، ج ۵، تهران: نشر کتاب، ۱۳۶۷
- [4] شکوهی، غلامحسین، تربیت و مراحل آن، جلد اول، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶
- [5] صافی، احمد، سازمان و قوانین آموزش و پرورش، تهران: سمت، ۱۳۹۶
- [6] احمدی، شهری، درویشی، زنگنه: مروری بر نحوه تامین منابع مالی در آموزش و پرورش، ۱۳۹۵
- [7] "نفت و رشد اقتصادی ایران" ۱۳۹۶، ایرنا، ۷ دی
- [8] عسکری مهدی، الهی منش محمد حسن، پریزاد رضا، مقایسه سیاست گذاری آموزشی ایران و ژاپن در مقطع ابتدایی، ۱۳۹۷
- [9] Department of Education and Science, Statistical Bulletin, HMSO, London: 1997.
- [10] Department of Education and Science, The Educational System of England and Wales, London: 1996.
- [11] Great Britain, Royal Commission on Preschool Education, HMSO, London: 1997.
- [12] King, Edmond j., Other Schools and Ours, Holt, Rinehart & Winston, London: 1970.
- [13] King, Edmond j., Other schools and Ours, Holt, Rinehart & Winston, London: 1973.
- [14] Legatum Institut, "The Legatum Prosperity Index" , London: 2017
- [15] Sodhi, T. S., Textbook of Comparative Education, Patiala Press, 1986.